

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
خبرستان تبریزی

شیخان فردوسی
محل ادار: کوچه سام
تلفن: ۸۹۹۹

آئین اسلام

بهای اشتراك

سالانه ۲۰۰۰ ریال
ششماهه ۱۰۰۰
سه ماهه ۵۰۰
در خارج ج.ا.ش.اف.ا.ج.ر.ت.پ.ست

سال اول شماره اول اول فروردین ۱۳۴۴ فعلا روزهای شنبه منتشر میشود بهای هر يك شماره ۴ ریال

مرام ما

روش ما اظهار عظمت اسلام و مرام ما ترویج این آئین مین است تنها آرزوی
که داریم اینست که بتوانیم بعالم اسلامی خدمتی کنیم و اخلاق و اطوار و آداب اسلام
را گوشزد عالمیان و خصوصاً علمایان نماییم.

ما در این وقت که خامه بدست گرفته و بدین خدمت همت گماشته ایم از مسئولیت سنگین
خود در راه ناهم نگری آگاه هستیم و میدانیم پاكشرف نامه نگار که بخواید از روی ایران
و عقیده در راه اصلاح اخلاق جامعه ای قدم بردارد باید باچه مشکلاتی مواجه شود
خصوصاً در محیطی که مدتها است معالم دین منهدم شده و آثار آن مندوس گردیده و
مشتی معالم فرعی که آلوده پخرافات است جایشن حقایق شده است ولی چون با
نیش صادق و قلمی بی آرایش و دلی پاك از هر گونه هوس و میل از حب اسلام قدم در
این راه نهاده ایم کمال امیدواری را به وقت خود داریم و آن روز را بخود نوید میدهیم
که مشاهده کنیم ایرانی یکبار دیگر در تحت لوای مقدس اسلام و معالم آن با بنانه ترقی
و تعالی نهاده و وحدت ملی خود را که از چندین قرن باین طرف متکلی بر دین بوده است
باز بدست آورده.

بدین جهت مرام خود را احیاء معالم دین نهاده ایم زیرا بر اثر مطالعه و تتبع در
تاریخ و معجزات ما ثابت شده است که شرق عموماً و ایران خصوصاً باخدا پرستی و دین داری
زیسته و سعادت و خوشبختی این ملت در آن ادواری بوده است که از روی عقیده و
ایمانیکه در پرو دین در آنها تولید شده است دست اتحاد و یگانگی بهم داده اند.
در آن روز که گره ایرانی متخالف باخلاق اسلامی بوده مفهوم مبین پرستی و اطاعت
از لولی الامر را میدادست و دفاع از مبین و پیروی از امر اولیاء امور را بر خود فرض
و واجب میشد در آن روز وقایع بعد و مواظبت بر عطاقت و رحم بر زبردست و کوشش
در احسان و مسابقه در دستگیری از ضلعه و سعی در خیرات و عبرات و احداث ثباتیات
صالحات را در پرتو دستورهای اسلام فرا گرفته بود. دوستی و راستی و امانت و عفت را
در آن مکتب الهی خوانده و از روی میل و شوق و عشق بدان تعلیم عمل میکرد و در
سایه همین کره دار و انصافد قرنها در کمال سروری و بزرگی میزیست.

بقیه در صفحه ۲

کارکنان روزنامه آئین اسلام
سال نو را بعموم ایرانیان
تبریک میگویند و امیدوارند
همگی در پرتو اتحاد و زیر
لوای با عظمت اسلام قرار
گرفته و یکبار دیگر بهار مجد
و عظمت را تجدید نمایند.

بقلم یکی از دانشمندان بزرگ

آئین اسلام

عفته نامه آئین اسلام که امروز روز
میلاد مبارک آنست برای مقصود مقدس عالم
وجود پناهده میشود حقایق اسلام را بی
پرد و بربراه در نظر دایانان و حق جوینان
جهان جلوه دهد میخواند ابراهای نصیبانی
که از دلتانهای غریک دور اسلام تشکیل
شده بود پراکنده ساخته آفتاب اسلام
حقیر را در خشان سازد و میخواند نشان
دهد که آئین اسلام حقیقت است و هر حقیقت
و علمی آئین اسلام است میخواند بشود
و ساد که در اسلام تعبد باین تعالیه است
و آنالیکه از کوناعی فهم خود تعبدات اسلام

بقیه در صفحه ۲

از ترمیم آقای محمد علی تاج

بقیه از صفحه ۱

را مقابل غلیظت قرار داده اشتباه کرده ستای قزونی در قرن پنجم هجری خطاب به پیغمبر (ص) عرض می کند (دین تو را دریغ آراشند. در پی آرایش و پیرایشند بسکه به ستند و برادر یک و سازگرتو بیانی نشانیش از آن چهره اقبالی فرماید معنی لفظ آیین اسلام محدود به قوانین عبادات با معاملات یا حدود دیات نیست بلکه هتاهلین داردند و علوم و آداب و اخلاق اسلامی هم که کمک گرا بیایی به ترفیع تمدن و علوم و تکامل بشر کرده در بطون آن جمع است لفظ آیین اسلام مانند سوراخی است که دریائی پراز گلها و میوه ها و سبزه و درخت و قواره ها و جویبارها باشد از دور جز سوراخی نیست اما چون چشم بر آن بی باقی چنان دلگشا بینی. پادماند حقیقه چشم است که حلقه ای بیش نیست اما آسمان با ستاره گان و زمین با آثار آن در آن هویداست. آرزو دارم نایب این جریده کمک به تکامل بشر و خدمت بشمی باشد که مشترک تمام ملل است. پس جاندار که داناان تمام ملل و نحل و ادیان با این نامه هم تکرر کنند و مقالات طلب برای درج بفرستند. قربان و فرقه برادر اسلام با هم قبیودن امیدواریم در بر تو آیین اسلام کشی کنند. سبب قهر اختلافات جزئی است که از سوء تفاهم پیدا شده و دروغ آبا میگویند آیین اسلام آئینه حقیقی است که میری بشر و نگارنده فرهنگ انسانی و فزاینده دانش و بینش است. امیدواریم آیین اسلام نماینده توحید حق تعالی و فرهنگ اسلامی یعنی دانش و اندیشه و گفتار و رفتار و آثار پاک داناان اسلام برای خوانندگان باشد.

فردوز

پادا خجسته مقدم فرخنده میبمان
کورا عزیز تر شمرده میزبان
با وی برسم مردم آزاده در میان
خوشخوئی و نیک طبع و نکو روی و مهریان
دست دراز لشکر غارلگر غزبان
کاندید بیست خاگ نبینی از او نشان
نوروز چون رسید دگر باره شد جوان
آن گل که بار کرد رخ از چشم ما نمان
سرخ ز شرب و زخوشی خندمیردها
وز هجر گل بسته ز قول و غزل زبان
آورد نغمه های دل انگیز ارمغان
جان داریونی کز و رسد آسایش روان
بقیه در صفحه ۳

نوروز در رسید به ما ای جهان
زینگونه میبمان گرامی کسی که دید
یادست رنج سال گذارده چند روز
آری چنان عزیز یلاند کسی که هست
وز دست زورمندیم در شکست خرد
و انگونه زوگر بخت زمستان شوم بی
گیتی که بودی درم روی سالخورد
اکنون گرفت برده ز رخسار دلفریب
بگشود بر سر و خوش خندلیب گوش
وان بغزگوی بلیل از باغ گشته دور
باز آمد و برسم ده آورده پیر وی
فصل گلست معطر بوی خواه کاین دروست

مرام ما

بقیه از صفحه اول

ما معتقد هستیم برای تہذیب اخلاق يك ملت و تلقین درس مبین پرستی بهتر و جابجاست از دستورهای دینی نیست. بالاتر از این در عالم دینی رمزی است که بشر نمی آید و تاکنون هیچ قانون و تعلیمی قادر نبوده است يك پلیس باطنی باشد. قوانین آسمانی در نهاد بشر ایجاد کند که در همه جا و همه حال با او پیوسته و مراقب اعمالش باشد و از هر صفت زبان آوری او را باز داشته و بر او خیریت دلالت کند بدین است تمام تعالیم آسمانی نیز یکسان نیستند و آنکه از همه کاملتر است سوره مدثر و مؤثر تر میباشد قدر متیقن آنکه دین اسلام کمال و شایستگی خود را بر تمام جهانیان ثابت نموده است پس تحلیلی با اخلاق اسلامی و اجرای دستورهای آن برای موقعیت هر زندگانی بشری صاف ترین شاخه اعمی میباشد اما بشر تا آنکه همان اسلامی باشد که مروج عدالت و دای برای فضیلت و مشتم اخلاق بیکوست. آن اسلامی باشد که برابری و برابری را مقرر داشته و برتری را فقط از راه فضل و تقوی دانسته آن کیش یاکی که دعوت بدانش و معرفت و شناختن خدای یگانه میباشد. آن آئینی که کوشش را سرمایه ترقی بشر دانسته و تمام افراد جامعه انسانی را دعوت صلح و آراش و اتحاد میباشد همان اسلامی که متابع از تعالیم امروز درای درد های اجتماعی این جهان سرگردان است.

آری مرام ما اینست که در راه احیاء اصول این دین بکوشیم و امیدواریم موفق شویم و با قضا که برای پیشرفت این منظور برای خود کشیده و با کمک نویسندگان مطلع و دانشمندی که آثارشان در این نامه بنظر خوانندگان خواهد رسید کمال امیدواری را با پیام مقصود داریم امیدواریم علاقمندان اسلام از بذل مساعدت و همکاری دریغ نفرمایند.

نورانی

بقلم آقای محمدعلی باغی

تربیت دینی

بشر باقلبع سرکش و خود خواو
ثبوت ران و متعدی است ، با آنکه استعداد
هزار گونه نرقی را دارد و آماده تربیت و
فرا گرفتن دانش است جاهل میباشد او
هیچگاه تکلیف خود را ندانست است آنچه
طبیعی اوست جلب قبح و دفع ضرر است و
از این راه برای احرار از برتری و نلین سود
و قدرت بر دفع زلزل و شام و سایر متوسل
میشود و چون پیرومند باشد همان پیرو را
وسیله تعدی و دست اندازی به حقوق دیگران
قرار میدهد همین جهنم است که این وجود
عجیب که بالقوه هم فاسد است هم صالح
هم دانشمند است هم جاهل هم خیر خواه
است و هم بد خواه هم مهربان هم قس -
القلب ویرم و دریده ، باید در تحت تربیت
قرار گیرد و راهنمایی شود منظور از این
تربیت این است که برده نادانی از برابر
چشمش بر داشته شود به صالح خود آشنا
گردد وظیفه خود را نسبت بخدا و خلق
و مبین و جامعه بداند حدود خود را بداند
و قدر خود را بشناسد بمال و بناموس سایرین
تعدی نکند و از حدود خود تجاوز نشاید
باین معنی که عمری بشر با بد صفات بدو زبان
آور را از او دور بدارد در اندام عظمی و خود -
خواهی را از پادشای بر طرف سازد و صفات
و اخلاق حمیده را بقدری در او پرورش دهد
که وجودش غیر معنی بلند و یک وجود
سودمند گردد .

بی شک و شبهه تمام بزرگان جهان که
در راه تربیت بشر قدم بر داشته و برای تعلیم
او کوشش نموده اند جز این منظور نداشته
اند و بشر نیز در پی تو همین تعلیم است که از آن
عواطف است بقامی که فلاطاد در سیداست

نوروز

لطف نسیم و نغمه مرغان ناز خوان
تر کسی ز غواصی چو بر خاست سر کران
مانند زلف پیاز پرغبار دستان
آید پدیدمه چهره گلگون لرونان
یک ره بین که بر طرف دشت و بوستان
گسترده دست با د صبا سبز پرینان
آبری که پرد آب ز دریا ی بیکران
رضوان در پشت کثودست برجهان
شته صاحب گرد ز رخسار گلستان
نوروز خاص و عام بهم یفت اقتران
وین روشن است نزد بزرگان خرمندان
آید بر قش در تن دهر از طرب روان
نوروز خاص غرم و فرخنده برجهان
دارد رستان سرخسخت بر آستان
هر گوهری که زاده از گنج شایگان
در مکتب حقایق آورشده عشر خوان
روزی که بود شرک بر آفاق حکمران
زو جان علم یافت دل مرده جهان
زان بیشتر که وهم من و تو بردگشان
کای آشکار پیش تو را ز و نهان میان
بر جاعلی خود سودناسته از زبان
گوینده پیمان وی از وحی ترجمان

هان دور شو ز تفرقه با جمع توأمان
دل با زبان او بهیسه حال هم زبان
گر مؤمنی عوالم روا بر برادران
اتفاق کن ز خواسته خویش تا توان

دست خدای از فن آخر الزمان
باشد که یکجکشی ما را کند ضامن
گر اتفاق را نبود پای در میان
هم از بیم دهر و هم از نام جلودان

مارا بفصل خود زدر فصل خود مران
و ز تر کشا ز فت ایام و ارهان

بقیه ارمنه ۲

پستی باغ و که کند هست و سرخوش
پردش ز سر خمدای شب هوای باغ
بر طرف چو پشته ناله است دلقرب
چون روی بآبری ز شراب مبعوض هست
یک لاله در تکر که پادمان کو حصار
افروخت شمع لاله خود روی از نسیم
بز فرق شاهدان چمن در شاد کرد
ماند جهان بیست فردوس گویشا
وقفه نسیم یاد ز صحن چمن فیما
علا قران سعدین آمد کر اتفاق
نوروز عام را بود این همه بهیا
نوروز خاص راست بلی این اثر کرو
روز و لادت سرو سالار ایلست
دارای دین محمد مرسل که پیشروی
آن ای فصیح که از شعر حکمتش
و آسانیکه اوستاد و خداوند داشتند
و حق که داشت بر کسی چهل چیرگی
او بر فراشت رأیت توحید بر سپهر
بر روی رسیده رنج ز گولان بی اصبه
او در دعا پند که داد و کلمات
پشامی راه راست بدین مردم و مکیه
اینک من شنو سخن چند از آنکه گفت

دست خدای همره و باز جماعتست
آن آگه از حقیقت ایمان بود که هست
ز بهر هر چه را پسنیدی بخویشتن
بر توان پیش که بخشاید خدای

ای مسلمین که باد شارا پناه و پشت
از اهل حق دست مدارید که اتفاق
هر کارزار دهر نباید فخر بست
احسان کنیز آنکه نکو کار بهره داشت

ای آفریدگار و خداوند دادگر
نایب د راستی ده و توفیق بندگی

هم آهنگی اجتماع

تعلیم آقای راشد

افراد جامعه هتکنمی با علم الفت میگرد که از جهت فکر و عقیده و معاشی به یکدیگر نزدیک باشند دین اسلام همین کار را میکند یعنی از افراط و تفریطی که در جامعه ما پیدا شده بواسطه عدل نکردن بدستورهای صحیح دین اسلامست. مایل گفتارهای خود هر گاه میگویم دین اسلام مقصود اسلام صحیحی است که پیغمبر آورده.

بر کشور ما عملی قرآنی گذشته حمله شده و در آن سیاستهای مختلف پدید آمده که هر سیاستی آید سیاست پیش از آن رفته بوده است بنه کرده و برخلاف آن راه دیگر پیش گرفته. در همه این احوال دین اسلام همچنان باقی و عبادت بر جا و اکثریت مردم این سرزمین در جهات عبادتی و خدا پرستی خود بیرو صورت های مقدس آن بوده اند در همه حال قرآن کریم تلاوت میشد و میشود مساجد پر یا بوده و هست و علماء دینی رفته بوده اند و هستند و کتب دینی نوشته میشد و میشود. سیاست های گوناگونی هم که با کنون پدید آمده غالباً بر یک دین بوده هر سیاستی تا در جهای دین را بعمل خود تغییر می کرده و مقداری بدین نزدیک میشد و معجزی مخلوط بوجود میآورده است. تا این زمان که هر یک از سیاست و دین را می جدا گرفته و در نتیجه انواع اختلافات ظاهر شده اختلافات ظاهری اختلافات فکری و اعتقادی و معاشی تا حدیکه نزدیک است جامعه هم آهنگی خود را از دست دهد و میان پدران و پسران و مادران و دختران نادانان و نادانان داراییان و ناداران مغایرت و اختلاف پدید آید.

اکنون چند مقدمه باید دانسته شود یکی آنکه این اختلافات و پراگندگی فکری و اعتقادی که در ما پیدانده تغییر دین اسلام نیست بلکه تغییر سیاست های گوناگونیست که ما داشته ایم. بجزارت دیگر دین ما را خراب نکرده ما دین را خراب کرده ایم و تا ما چنین باشیم هر آیین و قانونی را خراب خواهیم کرد.

مردمیکه قانون آسمانی را که وضع و فرض بدست گاه نیست خراب کنند یعنی بر طبق آن رفتار نکنند و از ارجاع خود توجیه و تویل کنند آیا قانون زمینی را که خودشان وضع میکنند درست بکار خواهند برد؟

دو - آنکه دین اسلام دین متوسط است و دارای دستور هایی است که جامعه معتدل و بگوناخت و هم آهنگ بوجود می آورد. این مدعا شواهد بسیار دارد از علل و از عمل؛ شاهد عینی جامعه مدرن اسلام است که تحت تألیفات این دین بوجود آمده جامعه ای بود هم آهنگ همه افراد آن دارای یک عقیده و یک طرز فکر و در معاشی نزدیک یکدیگر دیگر هم با هم مهربان و متحد و برادر و بهین جهت بر جامعه ای که هم آهنگی را از کف دانه بودند و اختلافات فکری و عقیده ای و معاشی در آن نه زیاد بود غالب شد. واقع

بقیه در صفحه ۵۵

تاریخ دینی

در میان این روشهای تربیتی روش دین و در میان این مربیان پیغمبران مؤثر تر بوده اند زیرا بشر از روز اول باها اعتقاد عجیبی داشته و باوراء الطبیعه توجه نموده و چون نبی است است در پس آن پرده چه چیز هایی نهفته است بیوهرای از آن در حالش وجود آمده است و در هر حال که بوده و هر اعتقاد و مبنای که داشته در سخت ترین سائنات و دشوار ترین موانع بدون آنکه ملفت شود بآن مدافع امروز متوجه شده و اصلاح کارهای خود را از آن مصدر خواستار گردیده است بالاخره چون ما را را الطبیعه در نهاد و روح بشر تأثیر خاصی داشته است خود را او از آن راه بهتر و سود مند تر و مؤثر تر بوده و تعلیم و دستور های که مصدرشان از آنجا است و در مورد قبولش واقع گردیده و کسانی که از آنسوی فرستاده شده اند با چشم دیگری نگاه کرده و اوامر آنها را پذیرفته و وقتی آن اوامر و تعلیم را از روی عقیده پذیرفت بطوری در نهانش متسکن میشود که بایک قوه عجیبی بدون هیچ مقاومتی در صد اجراء آنها بر آمده است بالاخره تعلیم پیغمبران پیش از هر تعلیمی در بشر تأثیر داشته و هنوز نمیتوان گفت چه رمزی در کار است که این تأثیر را باین تعلیم دانست و یا آنکه مدیون قرن بیستم بشر را باین آیه رسانده که تقریر طبیعت حکومت میکند و عقل جانی رسیده که خوب و بد و سود و زیان را تشخیص می دهد و علوم و معارف و قوانین و تشکیلات بشری بصورتی در آمده که با سطح حدیث و دانش او مناسبتی است با وجود این هنوز تعلیم دینی و گفته های پیغمبران بقوت

بقیه در صفحه ۵۵

پایه از صفحه ۴

هم آهنگی اجتماعی

در آمد. سر غلبه مسلمین هم آهنگی و اعتدال آنها بود و سر مطویت حریتشان در همه جا عدم اعتدال و نباشتن هم آهنگی. شاهد علمیش آیات قرآن و سنت پیغمبر و آثار اصحاب پیغمبر و البته دین است که همه در دست است و خوشبختانه کلمه ای ازین گرفته و بسیاری از این آیات و اخبار را خوانندگان مکرر شنیده اند.

سوم. آنکه ما احتیاج بدین داریم یعنی همانطوریکه در مردم فرزه احتیاج تنبیه و تنبیض است خدا فرزه خدا جوئی و حس خدا پرستی نیز هست. اگر مردم خدای پاک معترف نشود و دستورهای صحیح داده نشود از سنگ و چوب بت خواهند ساخت و خرافاتی بنام دین و خدا پرستی بوجود خواهند آورد. هر چیزیکه در وجود خود مردم مبدأ نداشته باشند نمیشود بر آنها تعمیم کرد مثلاً. عشق اگر در وجود خود مردم مبدأ نباشد کسی نمی توانست بر آنها تعمیم کند. اصلاً کسی فکر نمی افکند که راجع بآن سخن گوید اگر کسانی بخروج و تمنع اظهار عشق یا بندداری کرده اند پس از آن بوده که اشخاصی برست این اظهار را کرده و اینها از آنها تقلید کرده اند و گر نه تا راستی نباشد ممکن نیست دروغ بوجود آید. باری مقصود اینست که چون در مردم فرزه خدا جوئی هست و می خواهند با آفریدگار خود راهی داشته باشند بهتر اینست که از همین فرزه برای تربیت اخلاق و اصلاح اعمال آنها استفاده شود.

ذات انفس حق تعالی که منزله از همه خاص و مبده همه کمالات است با آن معرفت شود تا طالب خیر کمال شود و دستورهای خدا پرستی و دینی طوری بآنها داده شود که اعمال آنها را اصلاح و زندگیشان را منظم سازد و اگر از دین این استفاده نشود عکس آن خواهد شد یعنی فریزه خدا جوئی که از مردم سلب نخواهد شد از همان فریزه شادان و خاتمان استفاده خواهد کرد و آنان را بجای خدا پرستی بت پرستی تعلیم خواهند کرد عوض اینکه بوسیله خدا شناسی روح آنها را روشن و فکرشان را بلند و قلبشان را پاک گردانند برعکس فکرشان را پست و روحشان را تاریک و قلبشان را آلوده خواهند ساخت و بجای آنکه دستورهای صحیحی از این راه بپایا دهند که در زندگی دنیا و آخرت سعادت بخشان کنند آنان را بکارهایی و اغواهند ساخت که بر بیچارگی و بدبختی دنیا و آخرتشان تمام شود چنانکه کافران و موالان و حقه بازان و قاتکیران و قاتلان کرده اند و میکنند.

مقدمه چهارم. آنکه دین مقدس اسلام این منظور را یعنی توجه دادن مردم را بخدا و منزله ساختن خدا را از همه خاص و استناد دادن همه خوبیها و کمالات را بخدا و وضع دستورهایی که مردم را در جسم و روح دنیا و آخرت منظم و سعادت مند گرداند بکاملترین وجهی انجام داده.

مقدمه پنجم. اینست که تعلیمات قرآن زنده است و قرآن در هر زمانی میتواند مردم را بر راه راست آورد. قبول است که در دین اسلام بدعتها و کسراهایی پیدا آمده یعنی معرین ایجاد کرده اند ولی طوری نیست که اگر کسی طالب حق باشد نتواند حق را بیابد و تشخیص دهد بلکه قرآن و سنت پیغمبر با نازلای گویند که غفلت را متنبه تمام

بمقام آقای اسمعیل مرتضوی برانجامی

بزرگترین مصلح کیست؟

اگر بخواهیم مصلحین کثیر را بیاوریم دیگر مشابه کنیم و خداوند بزرگ خود بواسطه بشارتی کرده اند از نظر بنگرانیم تا معلوم گردد که آیا بزرگ در راه اصلاح و معادلت بشر پیشرو و توجیه دهنده و توجیه دهنده دنیا از وجود آنان زیادتر بهره مند خدمات پایداری جزوا مورد توجه قرار ندیم بکنی مقدمه و صاف بگویم خود توجیه دهنده دنیا اگر نه موقتی که در راه بر اعتناش بنیاد نباشی و ناپاکی معیوب مصلحین اجتماع کنند است.

تاریخ بهترین کلمه صادق است و هر جا ناپاکی باشد دین مورد به خصوص همچو کبر ایلهای ندارد که در چهارده قرن پیش جامعه ای فاسد تر و فاسدتر از جامعه مردم جریرت العرب نبوده است که از فساد اخلاقی اثری نبوده و ناز عالم مدینه بخیر هر چه را که شایا از ظاهر تمدن و کمال میدانید شد آن در آن دوران مختصراً ما پورده است و اگر بخواهیم بنگاریم آنها را غرض دهم باسطح متوسی همان من کاند شود.

پس از ذکر این مقدمه باید دانست که وظیفه بکدام مصلح اجتماعی است و در راه

پایه از صفحه ۴

خوبیهای است و طوری که آنها را در پیشرو داند هیچ قانون تعلیمی ندارد و هنوز بآن تعلیم و آوردن گداز آنها با پیافش ننگ میبندد و هنوز بشر در مواقع سخت بیهوش میباشد که این تعلیم را فرستاده توجه مینماید با آنکه قربان از عمر آنها بیکبار دیار سعادت را در بر تو آنها داشته و اینهمه تشکیلات و علوم و معارف قوانین را کس است بشر به وجود آورده مایه بدبختی خود میداند و از همین جا است که میتوان گفت برای تربیت بشر و برای ایجاد سعادت حقیقی در این جهان هیچ فریبی بهتر از تربیت دینی نیست. بشر باید متدین باشد تا روی خوشبختی را بدستد.

بسم الله تعالى آقای محمد باقر روحش

نهضت اسلام

این کلمه بسیار یگوش خوانندگان محترم آشنا و مصداق سالی است و زبان زنده مردم مسلمانان غیر مسلمان است و ممکن است کسی که بطور عادی این کلمه را بشنود یا در سوره علقه بیست و یک قصه محبوب و رفیق آن نگردد که و غایت کند وقت خویش را بخواندن مقالات بسیار و مفصلی که در روز مروج میشود صرف کند.

ولی ما میخواهیم باینکه تغییر تازه علمی و متفکری در موضوع نهضت اسلام گفتگو کنیم که نسبتاً بی سابقه و بسیار دقیق است و خواننده پس از خواندن آن تأمل تصدیق می کند یا فکر تازه و روش و متفکر خوبی بنام این کلمه بر خود کرده ایم عنوان مکرر و بابین نظریه عنوان این گفتگو بر افتادای نقلی خواهد کرد.

این کلمه در گوش هر دسته از آحاد و معتقدان بیانی اسلام از دوست و دشمن و بیطرف پاك منی و بعد.

توده بزرگی از مسلمانان که متعلق اسلامیت آنها تربیت خانواده گری و وضع محیطه است همیشه نهضت اسلامی را باین نام الهی و فکری نیروی نفسی تفسیر میکنند و میگویند خدا خواست مردم را هدایت کند؛ خبری برانگیخت و با یک نیروی شکر و معجزه و دشمن شکن خلق و حیدان دعوت اسلامی قدم گذاشت و در برابر دشمنان خود مقاومت کرد تا کار خود را انجام داد و به بنیانهای همسویتهایک عصبیت پیوسته شده دنبال یک معجزه و عاملی نفسی میگردد و از دور قیام بصورت تاز و ترم مرگ با یک از وقت در این و جزی از وقت ایجاد عالم برای آن حضرت معجزه هائی معقدند و در برابر اینکه این پیشبر بزرگ آنها را بر امانت هدایت کرده و سعادت طبیبانی از معجزه تبارش میکند.

این عقیده در توده ساده روحان اسلامی از ملا و علمای خصوص از قرن سوم تا کنون تا اندازه ای هویت داشته و به بنیانهای بزرگترین طبایع و معدن هر فرقه از قرن اسلامی کتاب های ضخیم و مجلدات بسیاری در این زمینه گرد آورده و رنج بسیار کشیده اند تا از گوشه و کنار کارهای قرن الهی ای که از آن حضرت صادر شده بدست آورده و اهمیت خود را باین شخص بسیار دقیق من جوین و عمر می کنند. بیشتر من جوین تعلیل و توثیق و دوستی مدار می باشند که این معجزات را از آن نقل کرده اند.

و فوراً اینکه کتب و نظریه استرانی که بولتین آنها در دهه های قرن اسلامی مشاهده می شود صمیمیت و اهمیت بازار این طبقه را ثابت میکند در احوال قرن سوم اسلامی که ابو الحسن اشعری مبنای طبیعت انحراف و با برجا کرد و حکومت نظراً لئلا تود و حقوق سلطنت و داخل کشور انسان را افغان کرد این مسلک بلوچ ترقی خود میداد و ما در مقالات خود نام این مسلک را (نورم علیه) میگذاریم.

این توده بزرگ اسلام همه مقاومت هائی را که دشمنان پیشبر در برابر آن حضرت بخرج دادند صرفاً بناد و لج بازی و مقاومت تفسیر میکنند چون عقیده خود با وجود این معجزاتی که شیعین آنها پس از مدتهاست این طبقه را سخر یا بآنها پیوسته هم صرمان پیشبر از زمین آن حد برار بر صلیق پیشبر علیه پدا کرده باشند و غا کسار آستان آن حضرت شمع باشند.

دشمنان ساده لوح و پیشبر و نهضت اسلامی هم بواکش این عقیده قیام اسلام را یک شبهه بازاری و جانوگری و تسخیر و غرام و دزدی باقی تفسیر میکنند و هر چه این دسته از بیرون اسلام بر شماره معجزات میافزایند این همان اندازه شماره سحر یا دزدی گوئی بیرون را بیه در صحنه

بقیه از صحنه * بر دگرترین مصطلح کیت پیوسته از وضع و اصلاح احوال باید چه رومی را پیش گیرد تا بقصد نزدیکتر باشد؟ * - عقیده بزرگان و دانشمندان و آنانکه در علم اجتماع و اخلاق دست دارند بر مصطلح است که نظر خود را بعلوم مثبت و معنی موجه کند بدین معنی که از یک سو با خرافات و مفاسد مبارزه کند و از جانب دیگر بکوشد تا محاسن اخلاقی و دینی بزرگترین نامی اجتماع گردانند و باین جهت بشناسند و بر کسار است و دیگر با صلاح افشانه تا بوسیله دفع موانع و ایجاد مقتضیات جامعه خود را از پراخه بر آید و در از بیابان توحش با با دانی تمدن رسانه بایر این بزرگترین نایه و مصطلح کیتی آنکسی است که در بدین اجتماع ظهور کند و در اندک مدتی جامعه عقب افتاده خود را از دودن از همه منزلت مقصود رسانه.

اگر تاریخ ۱۴ قرن گذشته را درست بنگریم خواهیم بین هیچ شاکه تردید افراد خواهیم کرد که مصداق حقیقی بزرگترین نایه و مصطلح کیتی پیشبر اسلام است. چه آن حضرت میان مردمی دیده آمد که همیشه پرستیدند. در زمان خود را زمینگیر کردند. بکانه دارای چنین شوهر بود. قناری بازی و دراپ خوارگی بپرد اعلی رسیده بود. دزدی و غارتگری از صفات مشخصه مردم عرب زمین بشمار میرفت.

پیشبر اگر چه ایمان و روش مسلم اجتماع با استقامتی هر چه نامزد و تأیید و توفیق خدائی شروع با اصلاحات کرد قبل از هر چیز تربیت (دل) برداشند زیرا هر کار که از شر سر بریزد کار دل است اگر آن سر بریزد صالحی بود آب زلال بنگونی نشگان حقیقت رسد و اگر کل آلود بود غار شکسته و دزد و مزاج اجتماع را غلبه بسیار کند.

در نخستین مرحله اصلاح فرمود (هه بگاه) شود و بخدای بکشا گرا بیداد و دستگار شود حقیقت و آنکه کی تأمل از طرز هو میآید که انسان ساخته و متفکر خود را پرستد. آبا سزاوار است که با جو بوسنگی را که بدست خود را بشمارد بپرستد (هرم از زمین این سخن بر آشفته پس بنگار آمدند و در اندک مدت از هر جری رفتند.

پس از آنکه دل مردم را از لوث شرک پاک گردانید و آنرا آگاهانه و مستعد ساخت که

شرح و ترجمه لهج ایلانه یلم آیت الله آقای خلیل کمره‌ای

دعوت بصلح

هنگامیکه رسول خدا (ص) چهار بار بدود گفت و عالم و اسلام دچار تشویش و تشنج گشت اوبیگر زمام امور را بدست گرفت. عباس عموی یغیبر (ص) و ابوسفیان بن حرب بنزد امیرالمومنین علی علیه السلام آمده تمنا کردند که دست بآویهند و امام از آنها بپذیرفت که قیام کند. از تحریک امام کواهی نگرفت. ابوسفیان بامام (ع) گفت: اگر بن بدن آدمی من این سرزمین را از سواره و پیاده پرخواهم کرد. علی علیه السلام برای جلوگیری از آشوب این دو تن سران قبیله را باین سخنان حکیمانه صلح و آرامش خواند و افکار و ابعثگیای بیوه و منشاء آنها هشدار کرد.

رقابت قبایلی و فکریهای تنسی و نزاعی را از طریق بازداشت و فرمود: **ایها الناس**

شعوا امواج القتل یصلی الجنان تا آخر خطب منجم

شما ای مردم! امواج این فتنه هارا با کشتیهای بخت شکاف عیدروشی مبارزمتان موجب بروج میافزاید و جز این کار نیست که ما اکنون بتلاطم گرفتار شده ایم کاری باید که ملرا از این تلاطم بگذراند. زورق بخت. کمرش بخت. چتر بخت همانا این دو روش معنواله است که در زیر پان آشوب می کند چنانکه این امواج از اختلاف طرف خیز و افتخار رقابت برخاست.

از راهی که اختلاف و نفره می آورد باز گردید و از فکر تاجوری و نفر فروشی بگذرید.

این روش مغایرت آمیز و مبارزه موجب بروج میافزاید و تلاطمی بر تلاطم میافزاید و جز این کار نیست که ما اکنون که بتلاطم گرفتار آمده ایم کاری و راهی باید که ما را از این تلاطم بگذراند.

و مستشار آنکس آمده که بابل قوی نهضت کرد و تسلیم بعقیدات شد خود و اراجت کرد.

همان نبوت است و سرچشمه کو راست که بآنکه با میهنکی آمل و اثرانی دیگر تغییر و رنگ بوداده.

آبی است نظیر و قلمه ایست **موجور**

آبی است تغییر پذیرنده و هر آبی که تغییر پذیرد بدو میشود و این هوای که داخل آن گشته غلوط در او موجود میکند و این قلمه بزرگتر از کلوی اینها است و بالاخره گلوشان را خواهد گرفت. با وضع حاضر و ناچنگی مردم که بحکم هوسبازی مستیغیری را دیدم و هوس نبوده اند مانند طفل هستند که لباس بزرگ را در می کنند و بالاخره آنرا بر زمین مینهد و مایس از چندین دفعه سقوط یافت و خیز آنرا میکند.

میوه چینی که میوه نارسیده را با این هنگام بچیند بر زمینی را مانند که تخم کشاورزی را درخیز زمین زراعت نباشد.

پایه دوم ص ۸

پایه اول ص ۶
بزرگترین مصلح کیست
تو حق را بیشتر بر آن بنابه فرمود (و آن
خداوند بگانه و معبود بیبنا روزی دهنت میرو
شاست پس از ترس فرزند آن خود را کشیده
زیرا هر آنکس که ندانند دهد نازند).

بعد از آن فرمودند از شما اصلاح نشود
و خونریزید و دروغ شما جریان ناپه بصلحت
نرسیده باید از زندان کاری برهیزید و نگذارید
که زن بیش از یک هسر انتخاب کند تا نسلی
شما سقوط باسد تا قانون توارث طبیعی و حقوقی
که از توابعی گیتی است دم را خلائل افشاش
نگردد. یا در اراج و تکلان گرایید و بناله و
تکامل پیرازید که من بدانچین ملت حتی
فرزندان سقوط شد شما در مقابل همه مغلوب
غدا مباحث میکنم.

و آمدن مدعیان از بهترین حیثیات
عاست زیرا هر کسی معاش ندارد مداد دارد
ولی به از امانت و دزدی که راهی باطل خطا
است بلکه کسب و تجارت کینه تا تحریب خدا
شود. در هیچیک از این امور کتابی نتوانید
شده مگر آنکه سلامت خود را حفظ نمائید
عوامل مرض نگذارید. بجهاد گردید و
چشم آدمی را فرسوده میکند شراب نغور و
و از آن گناه شیطانی برهیزید.

این بودند و تا از حایات اصلاحی یغیبر
اسلام که برای تکریم خوانند گن هر بر باد آورد
شدیم که چگونه با بهترین اسلوب از عادت
روست سکوش میگرد تعلق با خلق جدید
گوشه میبافت تا بزدان بیکی کنشور (دل)
خود را از عربین بدی باز ستاند و سرانجام
جایدار خود را بدست حقیقی رساند.

همه نظر دارند که هیچ اصلاح طلبانند قائم
مسلمانان طریق اساسی اصلاحات اینست بگریخت
است و هیچ نایله ای در این وقت کوفت و ناتوانی
است باین اندازه موفق کرده که کمال جهان را
تجه زحمت او بر برنده گرداند پس جانانود
که بهیضت و پیغمبری چنین کسی غشوت شوم
ود و راه نیل باسایش دنیوی و افروری دستور
های او را که قوانین الهی است سرمشق عملی
نوب فرادهم.

شکرت با نچه تا بان

پایه از صفحه ۷

دعوت بصلح

کشتکاری گمراهی شکبایی در راه اشتراک آن صرف کرده هرگاه در هنگام گرفتن پیشنهاد می‌میوه آن ناری دست برید بد نتیجه بدان ماند که از اصل نکتته باشند نکرده با این کردن برابر و یکسان است از حیث نتیجه و ازینج فراوان بدان ماند که از آغاز و آغاز از تو بزود برآورد آهم در زمین غیر قابل زود منظور از خلافت ناجوری نبوده و پست و آن مقصد و مقاروری که در کار بود باز منتظر وضع روحی مردم است.

من اگر سخن به گویم می‌گویم: بر ایالتی حرص می‌زند و امر آرام نشین می‌گویند: از هر لشبهر است.

فوس هنوز صبح نگرفته و رشد معنوی در آغاز تحول است افکار عالی‌فراوانی شهرتاری (ملوکی) ناله بانه بیوت آمده. قلوب ثابت برقرار است.

اقدام ما سوء فاعلم کشیده می‌شود. مقصد بلند انبیاء را بحسب فهم و حوصله خود تفسیر میکنند. و می‌دانند که بمقاصد معمولی شیعه و از این راه تخاصی بر حرص دیگران می‌افزاید یعنی باطلات اخلاقی مردمان کمک میکند و خلائق از عالم حقیقت. واقع نجات دورتر می‌شوند و ما از سوز مردم پنجاه دورتر می‌افتیم.

او نادر همین هرگاه دلیلیانگی نشان دهند (شایسته مردم) پس دیگر مردم چه خواهند کرد.

مانند

پایه از صفحه ۶

لهفت اسلام

یلا میرند و هرچه ایشان مجزیه و با یک وضع غریتر و عجیب‌تری نقل میکنند تا بیشتر در ایالت و ثبوت اثر داشته باشد دشمنان بیشتر آردا وسیله رای خود تسخیر و فروغ باقی فراوان می‌مانند این نظریه در دست از مردمان جزیرتالری که با اسلام مخالفت کردند و در بسیاری از پیشوایان و جلیقه‌تسبیح و در ترو ترو مسطی خود داشته و زور گریز وسیله بوده که اسلام را پیش مردم عوام ملحد خود باید طاعتان مذاهب دیگر فروغ و غرامت جلوه دهند.

اکنون هم این مسلک (نورم عقیده) در روشنفکران پیوسته و فریخته بلیلیات فرش آلود اثر و واکنش بسیار خطرناکی دارد که آنها را در اصل اساس مجزیه از طرفی و در جهت معادله تقلبات اسلام از طرف دیگر نگاه داشته انداخته و گاهی با پلان انگار و ادانت و ما نام این واکنش را (تلاشی عقیده) می‌گذاریم و این فرمول معادله را بخاطر خواننده گان محترم برای مقالات آینده امتانت می‌پاییم.

(نورم عقیده) = (تلاشی عقیده)

یک نکته بسیار روشن تری لهفت اسلام بر قیام معده (مرا) به دعوت اسلامی و ضمیمه طبیعی فوق‌العاده تفسیر کرده اندر چندین جوده.

۱- اساس این دعوت یک لهفت ملی عمومی بوده که مقصود و نتیجه آن اتحاد جاسه عرب و سیاحت و سلطنت در عالم عربی با هر عالم جوده و معصوم (مرا) یک پیشوای ملی و زعمی زیر دست لایق پیشار می‌بود که توانست در اثر گوش و تعلیمات خود قیال پراگم می‌برد مردم را در ایالت یک روح اتحاد نسبتاً ثابت معنوی کند.

۲- قرآن همان خاطرات و دستورات و شطاباست که در این زمینه صادر شده.

۳- اسلام با مسلک وحدت عربی است که نتیجه آن سلطنت عرب در عالم با هر عالم باشد. این نظریه در بسیاری از پیروان معاصر خود پیشتر خوب آشکار است و یک نکته از روشن فکران عرب جامعی پس از برخورد با دعوت اسلامی و اخلاق پیشرو و آیت‌فر آن پسین منظور متوجه شدند و از این رو به پلان گردیدند و منظور (پسین) وحدت ملی عرب و سیاحت سلطنت در عالم و بر عالم بزرگترین فداکاری را برای اسلام کردند.

نام

پایه آقای موسی شری

ترجمه دعای صباح

ایام خداوندی که رحمتش بی‌اینها و مهربانش بی‌پایان است.

کسبها می‌بخوانم که زبان صبح با سخنان روشن از دهان افق برآورده و قطعات تیرمشب را به پام تاریک ایام و دیار ظلمانی زوال و پستی فرستاده و ساختن گردون گردار را در بهترین خنده و زیبا ترین اندازه گیری استوار فرموده و پاشعه نور و لوب و فروزش خورشید تیره‌های آفتاب را در سطح افق شرقی امتداد داده است.

کسبها می‌بخوانم که راهنمای بسوی ذاتش هم خود ذات او از هیچ‌سوی آفریده‌های خویش دور و بالاتر و برتر از آنست که با چگونگی‌های آفریده خویش همجو باشد.

کسبها می‌بخوانم که اژدها عواطف و خاطرهای دانشین را در جگر از قز قدیمه هادی و بر چه که هست پیش از هشیخ دانا بدهد است.

کسبها می‌بخوانم که مراد کاهواره لعن و زبانه گاه امان خویش خوابیده و برای نگرستن به بخشش و احسانهای خود بیدار ساخته و پست توانایی دست به‌دارا از دراز شدن بسوی من باز داشته است.

بار آله درود بفرست بر آن کسب که در شب تیره و تاریک بسوی تو راهنما شده و از بسبب تو طولانی‌ترین رشته شرف و بزرگواری را بدست گرفته و در پایکی و شرافت نسب پشت در پشت بلندترین مقام را دارا گشته و از روز ازل در لغز شگانه با ثابت قدم بوده است درود بفرست بار خدایا بر اولاد که نیکان و بر گردگان و نیکو کارانند. نام